

Article type: Research Article

Cite the article: Piri, H., Mehrabinia, R., Moradgholi, J. (2025). Identifying drivers of operational accountability in the public sector in Islamic environments. *Journal of Accounting, Auditing and Finance in islamic enviroments*, 2(6), pp.3-24.

Identifying drivers of operational accountability in the public sector in Islamic environments

Habib Piri¹, Reza Mehrabinia², Javvd Moradgholi²

1. Assistant Professor, Department of Accounting, Zahedan Branch, Islamic Azad university, Zahedan, Iran. (Email: hztaha30@gmail.com)
2. PhD student of accounting, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran. (Email: rmehrabinia@gmail.com) (Email: javadmoradgholi237@gmail.com)

ABSTRACT

Received: 20/06/2024 – Reviewed: 08/11/2024 Accepted: 09/11/2024

In recent decades, operational accountability has gained special importance in the public sector of countries as one of the basic components of good and efficient governance. Operational accountability not only helps to increase transparency and public trust, but also improves efficiency, effectiveness and fairness in providing public services. Due to the increase in society's expectations from public sector institutions, the necessity of accountability and transparency in the performance of these institutions is felt more and more. The aim of this research is to identify the drivers of operational accountability in the public sector in Islamic environments. The research method is the data theory of the foundation through interviews with 14 experts in 2024. The statistical population of the research, which was selected selectively and purposefully, includes public sector accountants, public sector financial managers, auditors and expert faculty members. The results of the research showed that the drivers of operational accountability in the public sector include the driver of economic resources with three indicators, the driver of financial resources with four indicators, the driver of operational goals with six indicators, the driver of transparency with five indicators and the driver of empowerment and learning with five indicators. Operational accountability in the public sector is a multidimensional concept that includes several components such as information transparency, performance monitoring and evaluation, accountability, public participation, financial transparency, strengthening institutional and human resources capacities, legal accountability, transparency standards and procedures, effective communication and innovation. Knowing and analyzing these components based on the mentioned theoretical foundations can help improve performance and increase transparency and public trust in the country's public sector.

Keywords: Propulsion, Operational Accountability, Public Sector.



DOI: 10.22034/AAFIE.2024.463867.1043



©Authors retain the copyright and full publishing rights.

شناسایی پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی در محیط‌های اسلامی

حبیب پیری^۱، رضا محرابی نیا^۲، جواد مرادقلی^۳

۱. استادیار گروه حسابداری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران (Email: hztaha30@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

(Email: javadmoradgholi237@gmail.com)

چکیده

در دهه‌های اخیر، پاسخگویی عملیاتی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی حکمرانی خوب و کارآمد، در بخش عمومی کشورها اهمیت ویژه‌ای یافته است. پاسخگویی عملیاتی، نه تنها به افزایش شفافیت و اعتماد عمومی کمک می‌کند، بلکه بهبود کارایی، اثربخشی و عدالت در ارائه خدمات عمومی را نیز به‌دنبال دارد. با توجه به افزایش انتظارات جامعه از نهادهای بخش عمومی، ضرورت پاسخگویی و شفافیت در عملکرد این نهادها بیش‌ازپیش احساس می‌شود. هدف پژوهش حاضر، شناسایی پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی در محیط‌های اسلامی است. روش پژوهش، نظریه داده‌بنیاد و از طریق مصاحبه با ۱۴ نفر از خبرگان در سال ۱۴۰۳ است. جامعه آماری پژوهش که به‌صورت گزینشی و هدفمند انتخاب شدند، شامل حسابداران بخش عمومی، مدیران مالی بخش عمومی، حساب‌رسان و اعضای هیئت علمی خبره هستند. نتایج پژوهش نشان داد پیشران‌های «پاسخگویی عملیاتی» در بخش عمومی شامل، پیشران «منابع اقتصادی» با سه شاخص، پیشران «منابع مالی» با چهار شاخص، پیشران «اهداف عملیاتی» با شش شاخص، پیشران «شفافیت» با پنج شاخص و پیشران «توانمندسازی و یادگیری» با پنج شاخص است. پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی یک مفهوم چندبُعدی است که دربرگیرنده مؤلفه‌های متعددی از جمله «شفافیت اطلاعاتی»، «نظارت و ارزیابی عملکرد»، «مسئولیت‌پذیری»، «مشارکت عمومی»، «شفافیت مالی»، «تقویت ظرفیت‌های نهادی و نیروی انسانی»، «پاسخگویی قانونی»، «استانداردها و رویه‌های شفافیت»، «ارتباطات مؤثر» و «نوآوری» است. شناخت و تحلیل این مؤلفه‌ها بر مبنای مبانی نظری مذکور، می‌تواند به بهبود عملکرد و افزایش شفافیت و اعتماد عمومی در بخش عمومی کشور کمک کند.

کلیدواژه‌ها: پیشران، پاسخگویی عملیاتی، بخش عمومی، محیط‌های اسلامی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹



DOI: 10.22034/AAFIE.2024.463867.1043



©Authors retain the copyright and full publishing rights

مقدمه

سازمان‌های بخش عمومی نقش اساسی در نظام اقتصادی کشورها دارند، اما از لحاظ عملکردی ضعیف و ناکارآمد هستند (آنتوی و همکاران^۱، ۲۰۰۸). بنابراین، برای بهبود عملکرد در انجام خدمات بخش عمومی، به شیوه‌های جدید نیازمند هستند (نوها نورالدین و آپوهامی^۲، ۲۰۱۶). پیاده‌سازی مدیریت عمومی نوین در بخش عمومی جهت بهبود عملکرد اجرا شده است (روسی و همکاران^۳، ۲۰۱۹). مدیریت عمومی نوین، نهادهای بخش عمومی را به استفاده موثر و کارآمد تشویق می‌کند (هود، ۱۹۹۱). مفاهیم «حسابداری تعهدی»، «بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد» و «پاسخگویی» در راستای پیاده‌سازی مدیریت عمومی نوین است. همچنین، استفاده از حسابداری تعهدی در بخش عمومی توصیه شده است (سلامی و گفسی^۴، ۲۰۱۹). مفهوم پاسخگویی در ارائه اطلاعات سیاسی و مستندات خط‌مشی رو به افزایش است، زیرا این مفهوم تصویری از شفافیت و اعتماد را به استفاده‌کنندگان و عموم منتقل می‌کند (بوزن^۵، ۲۰۰۶). «پاسخگویی» به معنای تعهد و توانایی ارائه توضیحات، گزارش‌ها و اطلاعات درباره اقدام‌ها، تصمیم‌ها و عملکرد فرد یا سازمان به افراد یا نهادهای دیگر است. در مفهوم پاسخگویی مالی، این مفهوم به تعهد و توانایی ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی صحیح، شفاف و قابل اعتماد درباره وضعیت مالی و عملکرد مالی سازمان‌ها به افرادی چون سهامداران، مدیران، مدیران عالی، نظارت‌گران، مراجع قانونی و سایر نهادها می‌پردازد. پاسخگویی مالی بر پایه اطلاعات مالی دقیق و صحیح، بر رفع ابهام‌های مالی، ارتقای شفافیت، کاهش ریسک‌های مالی، جلوگیری از فساد و تقلب مالی، افزایش اعتماد عمومی و تسهیل فرایندهای نظارتی و تصمیم‌گیری‌های مالی تأثیر می‌گذارد. اصول پاسخگویی مالی عبارتند از: شفافیت، دقت، صداقت، قابلیت بقای اطلاعات، منطقی بودن و قابل فهم بودن اطلاعات ارائه شده. همچنین، بسیاری از علمای حسابداری و گزارشگری مالی،

-
1. Anthoy et al
 2. Nouhanouraldin and Apouhami
 3. Rousi et al
 4. Salami and Gefsi
 5. Bovens, M.

نقش مهم و اساسی در ایفای مسئولیت پاسخگویی مالی و عملیاتی دارند. برخی از آنان معتقدند چارچوب نظری حسابداری در بخش عمومی و از جمله دولت، باید بر مبنای مسئولیت پاسخگویی تدوین شود (ایجیری^۱، ۱۹۸۳).

در دهه‌های اخیر، پاسخگویی عملیاتی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی حکمرانی خوب و کارآمد، در بخش عمومی کشورها اهمیت ویژه‌ای یافته است. پاسخگویی عملیاتی، نه تنها به افزایش شفافیت و اعتماد عمومی کمک می‌کند، بلکه بهبود کارایی، اثربخشی و عدالت در ارائه خدمات عمومی را نیز به دنبال دارد. با توجه به افزایش انتظارات جامعه از نهادهای بخش عمومی، ضرورت پاسخگویی و شفافیت در عملکرد این نهادها، بیش از پیش احساس می‌شود. در کشور ما، همچون بسیاری از کشورهای دیگر، نهادهای عمومی با چالش‌های متعددی در زمینه پاسخگویی و شفافیت مواجه هستند. این چالش‌ها شامل مواردی نظیر پیچیدگی قوانین و مقررات، نبود سازوکارهای نظارتی مؤثر، کمبود منابع و ظرفیت‌های انسانی و نیز مقاومت‌های فرهنگی و سازمانی در برابر تغییرات است. در این میان، شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر پاسخگویی عملیاتی، می‌تواند به بهبود فرایندهای مدیریتی و ارتقای سطح شفافیت و اعتماد عمومی کمک شایانی کند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی کشور انجام می‌شود. در این راستا، تلاش می‌شود با استفاده از روش‌های علمی، عواملی که می‌توانند به بهبود پاسخگویی عملیاتی در نهادهای عمومی کمک کنند، شناسایی و بررسی شوند. شناخت دقیق این پیشران‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثرتری برای ارتقای سطح پاسخگویی و شفافیت در بخش عمومی باشد. در این پژوهش، نخست مبانی نظری و مفاهیم مرتبط با پاسخگویی عملیاتی بررسی و پس از آن، با استفاده از روش تحلیل محتوا و نظریه داده‌بنیاد، از طریق مصاحبه با خبرگان، پیشران‌های کلیدی شناسایی و تحلیل می‌شوند. نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران، مدیران و نهادهای نظارتی در بهبود عملکرد و افزایش کارایی بخش عمومی کمک کند و زمینه‌ساز ارتقای اعتماد و رضایت عمومی از

نهادهای دولتی و عمومی باشد.

مبانی نظری

در سازمان‌ها و شرکت‌ها، مسئولیت پاسخگویی عملیاتی، یکی از جنبه‌های حیاتی برای دستیابی به عملکرد بهینه و موفقیت است. مسئولیت پاسخگویی عملیاتی به معنای تحمل مسئولیت و ارائه توضیحات درباره فعالیت‌ها، فرایندها و عملکرد سازمان است. اما برای دستیابی به این مسئولیت پاسخگویی، به نظارت عملیاتی مناسب و کارآمد نیاز است. نظارت عملیاتی به عنوان یک فرایند ارزیابی و کنترل عملکرد سازمان و فعالیت‌های آن، می‌تواند تأثیر قابل توجهی در افزایش مسئولیت پاسخگویی عملیاتی داشته باشد. با انجام نظارت عملیاتی، سازمان قادر خواهد بود فرایندها، سیستم‌ها و عملکرد کارکنان خود را بهبود ببخشد و مسئولیت پاسخگویی را تقویت کند.

پاسخگویی عملیاتی عبارت است از تحصیل و مصرف بهینه (کارا و اثربخش) منابع. مسئولیت پاسخگویی عملیاتی، مقام‌های اجرایی نهادهای بزرگ بخش عمومی را ملزم می‌کند از طریق گزارش‌هایی، شهروندان و نمایندگان قانونی آن‌ها را درباره دستیابی به هدف‌های عملیاتی از قبل تعیین شده و مصوب و اثربخشی عملیات آگاه کند. مسئولیت پاسخگویی عملیاتی به جای آنکه صرفاً بر ورودی‌ها تأکید کند، بر کارایی و اثربخشی منابع برای هدف‌های مصوب تأکید می‌کند (ویلسون و همکاران^۱، ۲۰۰۹). نظارت عملیاتی، یک فرایند مدیریتی است که به منظور بررسی و ارزیابی عملکرد و عملیات یک سازمان، سیستم یا فرایند استفاده می‌شود. یکی از راهکارهای مطرح برای استفاده و مدیریت بهتر بودجه، استفاده از نظارت عملیاتی بر بودجه است که باعث افزایش مسئولیت پاسخگویی عملیاتی مدیران سازمان‌های دولتی می‌شود (ستوده، ۱۴۰۲).

پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی، به معنای التزام نهادها و سازمان‌های دولتی به گزارش‌دهی دقیق و شفاف درباره عملکرد و فعالیت‌های خود به ذی‌نفعان است. این مفهوم

از اصول اساسی حکمرانی خوب است که تضمین می‌کند منابع عمومی به‌طور کارآمد و اثربخش، به کار گرفته شوند. مبانی نظری مرتبط با شناسایی مؤلفه‌های پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی، شامل چندین نظریه و چارچوب مفهومی است که به درک عمیق‌تر از این مفهوم کمک می‌کنند.

نظریه حکمرانی خوب: نظریه حکمرانی خوب به مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌ها اشاره دارد که برای اداره مؤثر و عادلانه نهادهای عمومی، ضروری هستند. «شفافیت»، «پاسخگویی»، «مشارکت» و «حاکمیت قانون» از جمله این اصول هستند. «شفافیت» و «پاسخگویی» دو رکن اصلی این نظریه هستند که به تقویت اعتماد عمومی و بهبود عملکرد نهادهای دولتی کمک می‌کنند. مؤلفه‌های پاسخگویی عملیاتی در این چارچوب، شامل «انتشار منظم اطلاعات»، «وجود سیستم‌های نظارتی مؤثر» و «ایجاد سازوکارهای پاسخگویی به شهروندان» است (زارعی، ۱۳۸۳).

نظریه نمایندگی: نظریه نمایندگی، به رابطه بین نماینده (عامل) و موکل (مالک) اشاره دارد. در بخش عمومی، این رابطه بین مقام‌های دولتی و شهروندان برقرار است. پاسخگویی عملیاتی در این نظریه، به معنای تعهد نمایندگان به ارائه گزارش‌های شفاف و دقیق درباره عملکرد خود به موکلان است. مؤلفه‌های کلیدی این نظریه شامل «ایجاد سازوکارهای نظارتی مستقل»، «ارزیابی عملکرد» و «تشویق به مسئولیت‌پذیری در بین مدیران و کارکنان دولتی» است (مایر^۱، ۱۹۹۷).

نظریه شفافیت: نظریه شفافیت بر اهمیت دسترسی آزاد و کامل به اطلاعات توسط عموم مردم تأکید دارد. «شفافیت» به‌عنوان یکی از اصول اصلی پاسخگویی، به کاهش فساد، افزایش اعتماد عمومی و بهبود تصمیم‌گیری‌های مدیریتی کمک می‌کند. مؤلفه‌های این نظریه، شامل «سیستم‌های گزارش‌دهی شفاف»، «دسترسی آزاد به اطلاعات» و «استفاده از فناوری‌های نوین برای افزایش شفافیت اطلاعاتی» است (استراکس^۲، ۲۰۰۷).

نظریه مشارکت عمومی: این نظریه بر اهمیت مشارکت فعال شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری و نظارت بر عملکرد نهادهای عمومی تأکید دارد. «مشارکت عمومی» سبب افزایش پاسخگویی و شفافیت در نهادهای دولتی می‌شود. مؤلفه‌های کلیدی این نظریه، شامل «ایجاد کانال‌های مشارکت شهروندان»، «برگزاری جلسات عمومی» و «استفاده از نظرسنجی‌ها و مشاوره‌های عمومی برای بهبود فرایندهای مدیریتی» است (واگنر و همکار، ۲۰۱۶).

نظریه نظارت و ارزیابی: نظریه نظارت و ارزیابی به اهمیت وجود سیستم‌های نظارتی و ارزیابی مستمر عملکرد نهادهای عمومی اشاره دارد. این سیستم‌ها باید به‌طور منظم عملکرد واحدهای مختلف را ارزیابی و بازخوردهای لازم را برای بهبود ارائه کنند. مؤلفه‌های این نظریه شامل ایجاد نظام‌های ارزیابی عملکرد، تدوین شاخص‌های عملکرد کلیدی و استفاده از گزارش‌های حسابرسی مستقل است. بنابراین، هدف اصلی از پیاده‌سازی ارزیابی عملکرد سازمانی، ارائه اطلاعات صحیح و دقیق در ارتباط با عملکرد شغلی افراد درون سازمان است (آگروال و بوینس، ۲۰۱۶). به عبارت دیگر، هدف از ارزیابی عملکرد سازمانی، شناسایی میزان اثربخشی و همچنین کارآمدی اعضای یک سازمان است. از این طریق است که می‌توان اطلاعات حیاتی و مفیدی را در اختیار بخش منابع انسانی یک سازمان قرار داد. اطلاعاتی که در اثر ارزیابی عملکرد سازمانی حاصل می‌شود، در نهایت ضمن آگاه‌سازی مدیران از عملکرد کارکنان خود، نقاط ضعف و قوت کارکنان را برای هر یک از آنها نمایان می‌سازد. این مهم موجب می‌شود تا در نهایت شاهد تغییر میزان بهره‌وری کارکنان باشیم (شریعتی و افخمی اردکانی، ۱۳۹۵).

نظریه عدالت سازمانی: نظریه عدالت سازمانی به احساس عدالت و انصاف در فرایندها و تصمیم‌گیری‌های سازمانی اشاره دارد (دی کانیک، ۲۰۱۰). پاسخگویی عملیاتی می‌تواند با ارتقای احساس عدالت در بین کارکنان و ذی‌نفعان، به بهبود عملکرد و افزایش

رضایت عمومی منجر شود. مؤلفه‌های این نظریه شامل «تدوین و اجرای سیاست‌های عادلانه»، «برخورد منصفانه با کارکنان و ذی‌نفعان» و «ایجاد سازوکارهای شفاف برای رسیدگی به شکایت‌ها و بازخوردها» است. پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی، یک مفهوم چندبعدی است که دربرگیرنده مؤلفه‌های متعددی از جمله «شفافیت اطلاعاتی»، «نظارت و ارزیابی عملکرد»، «مسئولیت‌پذیری»، «مشارکت عمومی»، «شفافیت مالی»، «تقویت ظرفیت‌های نهادی و نیروی انسانی»، «پاسخگویی قانونی»، «استانداردها و رویه‌های شفافیت»، «ارتباط‌های مؤثر» و «نوآوری» است. شناخت و تحلیل این مؤلفه‌ها بر مبنای مبانی نظری مذکور، می‌تواند به بهبود عملکرد و افزایش شفافیت و اعتماد عمومی در بخش عمومی کشور کمک کند.

پیشینه پژوهش

معصومیان و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهش خود «وضعیت به کارگیری و راهکارهای توسعه حسابداری مدیریت در بخش عمومی» را بررسی کردند. برای این منظور، داده‌های لازم در سال ۱۴۰۰ از طریق توزیع پرسش‌نامه الکترونیکی بین ۹۶ نفر از مدیران، کارکنان و همچنین اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، از روش میانگین یک جامعه استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد در بخش عمومی، از کارکردهای حسابداری مدیریت استفاده خوبی نمی‌شود. ناآگاهی مدیران از کارکردهای حسابداری مدیریت، استفاده نکردن از افراد متخصص در پست‌های کلیدی و حساس، استفاده نکردن از سیستم حسابداری تعهدی کامل، توجه نکردن به اطلاعات آینده‌نگر، ضعف جایگاه پاسخگویی در بخش عمومی، تأخیر در ارائه اطلاعات مالی و ترجیح انتخاب مدیران سیاسی بر مدیران حرفه‌ای سبب شده است تا کارکردهای حسابداری مدیریت در بخش عمومی وضعیت خوبی نداشته باشد. همچنین، نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد مواردی چون ارتقای نظام پاسخگویی عملیاتی، توجه بیشتر به حسابداری مدیریت در دانشگاه‌ها، به کارگیری افراد متخصص در بخش مالی دستگاه‌های دولتی، افزایش رقابت در بین

سازمان‌های بخش عمومی، انتخاب مدیران از روی شایستگی‌های حرفه‌ای و ارزیابی عملکرد مدیران، استقرار نظام مدیریت عملکرد در بخش عمومی، رتبه‌بندی سازمان‌ها بر مبنای میزان پاسخگویی در برابر عموم، ارائه آموزش‌های مهارتی اثربخش، برگزاری سمینارها و همایش‌های مرتبط، استقرار نظام تصمیم‌گیری بر مبنای اطلاعات و افزایش آگاهی مدیران از کارکردهای حسابداری مدیریت، سبب توسعه حسابداری مدیریت در بخش عمومی می‌شود.

پیری و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی «مؤلفه‌ها و شاخص‌های بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و تبیین الگوی بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در سازمان‌های دولتی» را شناسایی کردند. نتایج پژوهش نشان داد، شش مؤلفه «اهداف» با شاخص‌های: ۱. اهداف قابل‌سنجش ۲. استراتژی‌ها؛ مؤلفه «ارزیابی عملکرد» با شاخص‌های: ۱. ارزشیابی، بازنگری، ارزیابی و گزارش نتایج ۲. جمع‌آوری و پایش نتایج ۳. معیارهای سنجش عملکرد و ۴. دستیابی به اهداف عملیاتی سازمان‌های دولتی؛ مؤلفه «پاسخگویی» با شاخص‌های: ۱. تمرکز بر خروجی‌ها به‌جای ورودی‌ها ۲. برنامه‌های عملیاتی ۳. پاسخگویی عملیاتی ۴. استفاده از مبنای تعهدی و ۵. حسابداری تعهدی؛ مؤلفه «منابع» با شاخص‌های: ۱. صرفه‌جویی منابع اقتصادی ۲. استفاده از منابع مالی و غیرمالی ۳. اولویت‌بندی و تخصیص منابع ۴. اثربخشی منابع اقتصادی و ۵. کارایی منابع اقتصادی؛ مؤلفه «ارزیابی عملکرد» با شاخص‌های: ۱. میزان دستیابی به اهداف ۲. کارایی ۳. اثربخشی ۴. کیفیت خدمات و ۵. بهبود مستمر؛ مؤلفه «نظارت» با شاخص نظارت عملیاتی و مؤلفه «رویکرد اندازه‌گیری» با شاخص رویکرد جریان منابع اقتصادی، استخراج گردید.

الگوی بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در سازمان‌های دولتی بهبود قابل توجهی در عملکرد و کارایی این سازمان‌ها ایجاد می‌کند. این الگو با افزایش شفافیت، انعطاف‌پذیری و مسئولیت‌پذیری در برنامه‌ریزی و اجرای بودجه، بهبود فراوانی در هدف‌ها و نتایج سازمان‌های دولتی ایجاد می‌کند.

نادری و علی صوفی (۱۴۰۲) در پژوهشی «موانع پیاده‌سازی بودجه‌بندی عملیاتی در یک

دانشگاه اسلامیِ مأموریت‌گرا» را بررسی کردند. پژوهش از حیث هدف کاربردی و از حیث ماهیت، توصیفی است. جامعه آماری پژوهش کارکنان دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع) است که در جریان بودجه‌بندی نقش داشته‌اند. پس از بررسی، تعداد آن‌ها ۹۵ نفر (۱۵ نفر رشته حسابداری، ۲۳ نفر رشته مدیریت و ۵۷ نفر از سایر رشته‌ها) برآورد شد. با توجه به محدود بودن، جامعه آماری نمونه‌گیری نشد و از روش سرشماری استفاده شد. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه استاندارد بوده است که برای تأیید روایی، از روایی صوری که به تأیید استادان دانشگاه رسیده و برای پایایی از روش آزمون آلفای کرونباخ استفاده و مقدار آن ۹۲ درصد برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار «اس‌پی‌اس‌اس» و آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای و آزمون فریدمن استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد موانع محیطی، فنی و فرایندی و موانع انسانی در پیاده‌سازی بودجه‌بندی عملیاتی نقش دارند. همچنین، مشخص شد اهمیت هرکدام از موانع متفاوت است و به ترتیب موانع انسانی، محیطی، فنی و فرایندی اهمیت دارند.

ستوده (۱۴۰۲)، در پژوهش خود «نقش نظارت عملیاتی در افزایش مسئولیت پاسخگویی عملیاتی» را رتبه‌بندی و بررسی کرد. جامعه آماری پژوهش را کلیه مدیران، حسابرسان، حسابداران سازمان‌های دولتی و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های شهر زاهدان تشکیل داده و نمونه آن شامل ۱۲۰ نفر از مدیران، حسابرسان دیوان محاسبات، حسابداران بخش عمومی و اعضای هیئت علمی - که طبق جدول مورگان انتخاب شدند - تشکیل می‌دهند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسش‌نامه بوده است. آلفای کرونباخ برای پایایی پرسش‌نامه برابر ۷۵٪ است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون تی و برای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها، از آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد انجام نظارت عملیاتی سبب افزایش مسئولیت پاسخگویی عملیاتی می‌شود. همچنین، طبق نتایج آزمون فریدمن، رتبه‌بندی مؤلفه‌های پاسخگویی عملیاتی، به ترتیب در رتبه اول «اثربخشی»، رتبه دوم «کارایی» و رتبه سوم «اثربخشی» قرار می‌گیرد.

غفاری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به «تبیین مفهوم حقوق بین‌نسلی و شناسایی

شاخص‌های گزارشگری حقوق بین‌نسلی با در نظر گرفتن الزام‌های قانونی، منابع درآمدی، موقعیت جغرافیایی، وضعیت اقلیمی و... کشور ایران» پرداختند. این پژوهش در حوزه پژوهش‌های توسعه‌ای اکتشافی بوده و از نظر راهبرد و روش پژوهش، پیمایشی است. در مرحله اول، با کمک بررسی تطبیقی و مطالعه الزام‌های قانونی و شیوه گزارشگری رسمی سایر کشورها و سایر منابع معتبر، شاخص‌های گزارشگری حقوق بین‌نسلی برای کسب اجماع عمومی صاحب‌نظران و مدیران ارشد دولتی و حساب‌برسان خبره دستگاه‌های نظارتی تعیین و پیشنهاد شده است. در مرحله دوم، شاخص‌های پیشنهادی در اختیار نمونه آماری متشکل از افراد حرفه‌ای و خبرگان که در زمینه گزارشگری و افشای اطلاعات دارای تجربه بوده و بر الزام‌های قانونی مسلط هستند، قرار گرفت تا نسبت به تعیین نهایی شاخص‌های گزارشگری و رتبه‌بندی هر شاخص اظهار نظر کنند. بر اساس یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین شاخص‌های گزارشگری در بُعد دولت، مربوط به درآمد فروش نفت و گاز، بهره‌برداری از کلیه منابع طبیعی، تولید و بهره‌برداری منابع نفت و گاز و صندوق توسعه ملی است. همچنین، در بُعد مخارج دولت، شاخص‌های مخارج سرمایه‌ای دولت، هزینه‌های حفاظت از محیط زیست، سرمایه‌گذاری در طرح‌های بلندمدت و هزینه‌های تحصیل و آموزش، دارای بالاترین رتبه هستند.

امرای و همکاران (۱۳۹۹) با استفاده از روش تحلیل کیفی فراترکیب، مطالعه‌ای را با عنوان «عوامل مؤثر در کارایی نظارت و ارزیابی عملکرد مالی بخش عمومی در بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد» انجام دادند. آن‌ها عوامل و شاخص‌های مهم را از مقاله‌ها و مطالعات صورت گرفته از سال ۲۰۰۷ استخراج و سپس با استفاده از تکنیک سوارا، معیارها را اولویت‌بندی، وزن‌دهی و ۱۳ شاخص مهم و اصلی را شناسایی کردند.

ناصری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود «نقش دیوان محاسبات در ایفای مسئولیت پاسخگویی و کاهش ارجاع موارد انحراف به دادسرای دیوان محاسبات کشور در دستگاه‌های اجرایی استان سیستان و بلوچستان» را بررسی کردند. جامعه آماری این پژوهش را مدیران، معاونان مالی، ذی‌حسابان دستگاه‌های اجرایی استان سیستان و بلوچستان و

حسابرسان و کارشناسان اداره کل دیوان محاسبات استان شامل بود. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌هایی که دربارهٔ ارزیابی ایفای مسئولیت پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی از طریق پرسش‌نامه گردآوری می‌شود و برای تحلیل داده‌ها، از روش‌های آماری پارامتریک - شامل روش توصیفی و آزمون تی تک‌نمونه‌ای - استفاده شد. همچنین، در خصوص کاهش موارد وخواهی ارجاعی به دادسرای دیوان محاسبات، از طریق اطلاعات مندرج در گزارش تفریغ بودجه تأییدشده مهر و موم‌های ۸۷ تا ۹۱ استان سیستان و بلوچستان گردآوری و از نسبت‌های آماری و آزمون لون برای تجزیه و تحلیل آن استفاده گردید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد نقش قانونی و مشاوره‌ای دیوان محاسبات استان در ارتقا ایفای مسئولیت پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی استان و همچنین کاهش موارد وخواهی ارجاعی به دادسرای دیوان محاسبات کشور، تأثیر بسزا و مطلوبی دارد.

آشور و عموزاد (۱۳۹۶) در پژوهشی «تأثیر پاسخگویی عملیاتی به شرایط محیطی با عملکرد سازمانی» را بررسی کردند. پژوهش از نظر هدف، کاربردی و روش جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی - پیمایشی است. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری گردید. جامعه آماری پژوهش را حدود ۵۰۰ نفر از کارکنان شرکت شیشه ایمنی و طبق جدول جرسی و مورگان، حجم نمونه حدود ۲۱۷ است. نمونه‌گیری، احتمالی از نوع تصادفی ساده بود. نتایج حاصل نشان داد پاسخگویی عملیاتی به شرایط محیطی، بر عملکرد سازمانی تأثیر مثبت دارد. همچنین پاسخگویی عملیاتی به شرایط محیطی، بر حفظ مشتری و عملکرد مالی تأثیر مثبت دارد.

تران و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در پژوهش خود «ظرفیت حسابداری بر کیفیت گزارشگری و پاسخگویی بخش عمومی ویتنام» را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد کیفیت گزارشگری مالی، بر پاسخگویی سازمان‌های بخش عمومی تأثیر مثبت دارد. بارتون^۲ (۲۰۰۷) در پژوهش خود «حسابداری تعهدی و بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در

استرالیا» را بررسی کرد. نتایج پژوهش نشان داد حسابداری به کارگیری حسابداری تعهدی در بخش عمومی، سبب افزایش کارایی منابع می‌شود. همچنین، برای انجام مدیریت بهینه منابع، به اطلاعات حسابداری تعهدی نیازمند هستند.

مک‌فی^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی «تأثیر حسابداری تعهدی در افزایش پاسخگویی در بخش عمومی» را بررسی کرد. نتایج پژوهش نشان داد پیاده‌سازی حسابداری تعهدی در بخش عمومی، سبب افزایش پاسخگویی دولت به مردم می‌شود. همچنین، بهبود عملکرد را در حوزه‌های مختلف به همراه دارد.

با مطالعه مبانی نظری، پیشینه پژوهش و اهمیت توجه به پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی کشور، انجام پژوهش مهم تلقی می‌شود. از سال ۱۳۹۴ که پیاده‌سازی حسابداری تعهدی در بخش عمومی اجباری شد، مفاهیم بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و پاسخگویی عملیاتی، از جایگاه مهمی برخوردار گردید. با توجه به نبود پژوهشی در این زمینه در ایران، در این پژوهش ابتدا با استفاده از مبانی نظری، مفاهیم اولیه در زمینه پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی استخراج و پس از آن با انجام مصاحبه با خبرگان حوزه حسابرسی، پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی کشور تبیین می‌شوند.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، به پرسش زیر پاسخ داده می‌شود:

پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی در محیط‌های اسلامی کدامند؟

مواد و روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر، شناسایی پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی کشور به روش نظریه داده‌بنیاد از طریق مصاحبه با خبرگان است. در نتیجه، از منظر بُعد زمانی، مقطعی است؛ زیرا مصاحبه‌ها در سال ۱۴۰۳ انجام شده‌اند. از منظر هدف، از نوع اکتشافی است. این پژوهش، از منظر فرایند اجرا، از نوع کیفی است. جامعه آماری پژوهش که به صورت گزینشی و هدفمند انتخاب شدند، شامل حسابداران بخش عمومی، مدیران مالی

بخش عمومی، حسابرسان و اعضای هیئت علمی خیره در حرفه است که ۱۴ نفر را شامل می‌شود.

بحث و ارائه یافته‌ها

خبرگان پژوهش

در جدول ۱، تعداد خبرگان به تفکیک: حسابداران بخش عمومی ۳ نفر، مدیران مالی بخش عمومی ۵ نفر، حسابرسان ۴ نفر و اعضای هیئت علمی دانشگاه را ۲ نفر تشکیل می‌دهد.

جدول ۱: خبرگان پژوهش		
ردیف	شغل	تعداد
۱	حسابداران بخش عمومی	۳
۲	مدیران مالی بخش عمومی	۵
۳	حسابرسان	۴
۴	اعضای هیئت علمی دانشگاه	۲
جمع		۱۴

اطلاعات جمعیت‌شناسی

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات جمعیت‌شناسی، در جدول‌های ۲ تا ۶ ارائه شده است. اطلاعات نشان می‌دهد بیشترین درصد پاسخگویان (۰/۸۶) جنسیت خود را مرد و کمترین درصد (۰/۱۴) نیز جنسیت خود را زن گزارش کرده‌اند. در زمینه «تحصیلات» بیشترین درصد پاسخگویان (۰/۶۴) تحصیلات خود را فوق‌لیسانس و کمترین درصد (۰/۳۶) نیز تحصیلات خود را دکتری گزارش کرده‌اند. در ارتباط با «رشته تحصیلی» بیشترین درصد پاسخگویان ۰/۷۱ رشته تحصیلی خود را «حسابداری» و کمترین درصد (۰/۲۹) «مدیریت» گزارش کرده‌اند. در ارتباط با «شغل» بیشترین درصد پاسخگویان (۰/۳۶) شغل خود را مدیر مالی و کمترین درصد (۰/۱۴) عضو هیئت علمی گزارش کرده‌اند. در ارتباط با «سابقه کار» بیشترین درصد پاسخگویان (۰/۳۹) سابقه کار خود را ۱۰ تا ۱۵ سال و کمترین درصد (۰/۱۱) بین ۶ تا ۱۰ سال گزارش کرده‌اند.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل به صورت زیر است:

جدول ۲: اطلاعات جمعیت‌شناسی (جنسیت)			
عنوان	شرح	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۲	۰/۸۶
	زن	۲	۰/۱۴
	کل	۱۴	۱۰۰

جدول ۳: اطلاعات جمعیت‌شناسی (میزان تحصیلات)			
عنوان	شرح	فراوانی	درصد
میزان تحصیلات	فوق لیسانس	۹	۰/۶۴
	دکتری	۵	۰/۳۶
	کل	۱۴	۱۰۰

جدول ۴: اطلاعات جمعیت‌شناسی (رشته تحصیلی)			
عنوان	شرح	فراوانی	درصد
رشته تحصیلی	حسابداری	۱۰	۰/۷۱
	مدیریت	۴	۰/۲۹
	کل	۱۴	۱۰۰

جدول ۵: اطلاعات جمعیت‌شناسی (شغل)			
عنوان	شرح	فراوانی	درصد
شغل	حسابدار	۳	۰/۲۱
	مدیر مالی	۵	۰/۳۶
	حسابرس	۴	۰/۲۹
	هیئت علمی	۲	۰/۱۴
	کل	۱۴	۱۰۰

جدول ۶: اطلاعات جمعیت‌شناسی (میزان سابقه کار)			
عنوان	شرح	فراوانی	درصد
سابقه کار	۵-۱	۲	۰/۱۷
	۱۰-۶	۳	۰/۱۱
	۱۵-۱۰	۵	۰/۳۹
	بالای ۱۵	۴	۰/۳۳
	کل	۱۴	۱۰۰

یافته‌های بخش کیفی

برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در بخش کیفی استفاده شده است که روایی آن را خبرگان به صورت «روایی محتوا» بررسی کردند (استراوس و کوربین^۱، ۱۹۹۸). به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، از کدگذاری باز و محوری و گزینشی استفاده شد. در گام نخست، در پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان و انجام کدگذاری باز و محوری شاخص‌های پیشران، پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی شناسایی و تلخیص گردید. سپس با استفاده از روش مصاحبه، شاخص‌های پیشران پاسخگویی عملیاتی به تأیید نهایی خبرگان رسید. در مرحله بعد، با استفاده از کدگذاری گزینشی، چارچوب نهایی مدل نهایی شکل گرفت.

مرحله اول: کدگذاری باز (اولیه):

در نظریه‌پردازی داده‌محور، کدگذاری باز فرایندی تحلیلی است که در طی آن، مفاهیم شناسایی و بر اساس ویژگی‌ها و ابعادشان بسط داده می‌شوند. پس از مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان، با استفاده از متون مقاله‌های مرتبط، شاخص‌های پیشران پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی استخراج، مفهوم‌پردازی و به‌وسیله کدها نام‌گذاری شدند.

مرحله دوم: کدگذاری محوری:

اساس طبقه‌بندی در کدگذاری محوری، مطالعه پژوهش‌های پیشین، شناخت کافی، احاطه به موضوع، تسلط نظری به موضوع مورد مطالعه و دستیابی به نگرشی به‌منظور یافتن

1. Strauss and Corbin

خطوط مشترک شاخص‌ها بر یک محور مشخص است. در این مرحله، وجه اشتراک مفاهیم مشخص و دسته‌بندی شد. در نتیجه، شاخص‌های پیشران پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی ایجاد می‌شوند. در این بخش، پژوهشگر به مقوله‌پردازی می‌پردازد. در این مرحله، شاخص شناسایی گردید.

مرحله سوم: کد گذاری گزینشی (انتخابی):

در پایان، برای نشان‌دادن روابط میان شاخص‌های پیشران پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی به دست آمده، کد گذاری گزینشی انجام گرفت که در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷: شناسایی پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی در محیط‌های اسلامی

عنوان	پیشران‌ها	شاخص‌ها
شناسایی پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی	منابع اقتصادی	کارایی منابع اقتصادی
		اثر بخشی منابع اقتصادی
		صرفه جویی منابع اقتصادی
	توانمندسازی و یادگیری	توسعه مهارت‌ها و توانمندسازی نیروی انسانی
		تحقیق و توسعه
		تشویق و پاداش‌دهی به عملکردهای مطلوب
		تقویت ظرفیت‌های نهادی و نیروی انسانی
	هدف‌های عملیاتی	تعامل با نهادهای بین‌المللی
		توجه به هدف‌های عملیاتی
		توجه به بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد
		توجه به حسابرسی مبتنی بر عملکرد
		فرهنگ سازمانی مبتنی بر پاسخگویی
		توسعه فناوری اطلاعات و سیستم‌های مدیریتی
	شفافیت	نظارت و ارزیابی مستمر عملکرد
		شفافیت در اطلاعات و گزارش‌دهی
مشارکت و تعامل با ذی‌نفعان		
شفافیت منابع مالی و غیرمالی		
شفافیت اطلاعاتی		
		مسئولیت‌پذیری

کارایی منابع مالی	منابع مالی	
اثر بخشی منابع مالی		
صرفه جویی منابع مالی		
چارچوب‌های قانونی و مقرراتی		

نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، شناسایی پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی کشور بود. در این پژوهش، داده‌ها از نظریه داده‌بنیاد و مصاحبه با خبرگان جمع‌آوری شده است. به‌منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش درباره شناسایی پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی، در بخش عمومی ۵ پیشران و ۲۳ شاخص تدوین گردید.

در پاسخ به پرسش پژوهش (پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی کشور کدامند؟) با توجه به نتایج پژوهش، پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی کشور شامل: پیشران «منابع اقتصادی» با سه شاخص، پیشران «منابع مالی» با چهار شاخص، پیشران «هدف‌های عملیاتی» با شش شاخص، پیشران «شفافیت» با پنج شاخص و پیشران «توانمندسازی و یادگیری» با پنج شاخص قرار دارند. «پاسخگویی عملیاتی» در بخش عمومی یک مفهوم چندبعدی است که دربرگیرنده مؤلفه‌های متعددی است، از جمله: شفافیت اطلاعاتی، نظارت و ارزیابی عملکرد، مسئولیت‌پذیری، مشارکت عمومی، شفافیت مالی، تقویت ظرفیت‌های نهادی و نیروی انسانی، پاسخگویی قانونی، استانداردها و رویه‌های شفافیت، ارتباطات مؤثر و نوآوری. شناخت و تحلیل این مؤلفه‌ها بر مبنای مبانی نظری مذکور می‌تواند به بهبود عملکرد و افزایش شفافیت و اعتماد عمومی در بخش عمومی کشور کمک کند. نتایج پژوهش با پژوهش‌های معصومیان و همکاران (۱۴۰۴)، پیری و همکاران (۱۴۰۳) و ناصری و همکاران (۱۳۹۶) هم‌راستا است.

این مؤلفه‌ها با هم ترکیب می‌شوند و یک سیستم جامع پاسخگویی عملیاتی را در بخش عمومی تشکیل می‌دهند که می‌تواند به بهبود عملکرد، افزایش شفافیت و ارتقای اعتماد عمومی کمک کند.

پیشنهاد‌های کاربردی

با اجرای این پیشنهادها، سازمان‌های دولتی و عمومی می‌توانند به‌طور مؤثرتری به بهبود عملکرد و پاسخگویی عملیاتی خود پردازند و اعتماد عمومی را افزایش دهند.

ایجاد سیستم‌های ارزیابی عملکرد: پیاده‌سازی سیستم‌های ارزیابی عملکرد مدیران به‌منظور شناسایی نقاط ضعف و قوت و بهبود مستمر؛

افزایش شفافیت و دسترسی به اطلاعات؛

استفاده از فناوری‌های نوین؛

توسعه فرهنگ سازمانی؛

ارتباط‌های داخلی مؤثر: تقویت ارتباط‌های داخلی سازمان برای بهبود هماهنگی و همکاری بین بخش‌ها و واحدهای مختلف؛

تعامل با ذی‌نفعان: ایجاد کانال‌های ارتباطی مؤثر با ذی‌نفعان خارجی مانند شهروندان، سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌ها برای پاسخگویی به نیازها و انتظارات آنها؛

توسعه برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی کارکنان؛

آموزش مستمر: برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های توانمندسازی برای کارکنان به‌منظور بهبود مهارت‌ها و افزایش کارایی؛

تشویق به یادگیری مداوم: ایجاد فرهنگ یادگیری مداوم و حمایت از کارکنان برای شرکت در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای؛

بهبود سازوکارهای نظارتی و کنترلی؛

ایجاد کارگروه‌های نظارتی مستقل با هدف ارزیابی و پایش عملکرد سازمان‌ها و اطمینان از رعایت اصول شفافیت و پاسخگویی؛

افزایش شفافیت مالی: تقویت سیستم‌های حسابداری و گزارش‌دهی مالی به‌منظور افزایش شفافیت و کاهش احتمال فساد.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

بررسی تأثیر پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی بر بهبود حسابداری تعهدی در بخش عمومی؛
بررسی تأثیر پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی بر بهبود بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در بخش عمومی.

منابع

- آشور، مجید، مهرمنش، حسن، عموزاد خلیلی، حسین. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر پاسخگویی عملیاتی به شرایط محیطی با عملکرد سازمانی. *مطالعات مهندسی صنایع و مدیریت تولید*، ۷(۳)، ۵۳-۶۵.
- امریایی، حافظ، اسماعیل زاده، علی، خسروی پور، نگار. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر در کارایی نظارت و ارزیابی عملکرد مالی بخش عمومی در بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد با رویکرد فراترکیب. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۰(۳۷)، ۲۹۶-۳۳۵.
- پیری، حبیب، ملاشهری، شیما، عباسی، عاطفه. (۱۴۰۳). تبیین الگوی بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در سازمان‌های دولتی. *پژوهش‌های نوین در ارزیابی عملکرد*، ۲(۴)، ۲۸۴-۲۹۲.
- زارعی، محمدحسین. (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران. *مجله تحقیقات حقوقی*، ۷(۴۰)، ۱۵۵-۲۰۲.
- ستوده، طاهره. (۱۴۰۲). رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و بررسی نقش نظارت عملیاتی در پاسخگویی عملیاتی. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۶(۸۱)، ۳۰-۳۹.
- شریعتی، رضا، افخمی اردکانی، مهدی. (۱۳۹۵). شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های ارزیابی عملکرد مراکز تحقیق و توسعه بر اساس مدل کارت امتیازی متوازن. *ماهنامه علمی اکتشاف و تولید نفت و گاز*، ۱۳(۷)، ۲۵-۳.
- غفاری مهدی، جعفری دهکردی حمیدرضا، آذر عادل، بنی طالبی دهکردی بهاره. (۱۴۰۱). شناسایی مهم‌ترین شاخص‌های گزارشگری حقوق بین‌نسلی در ایران: گامی در جهت بهبود سیستم گزارشگری و ارتقای سطح پاسخگویی دولت. *دانش حسابرسی*، ۲۲(۸۸)، ۲۸۸-۳۱۴.
- معصومیان، افشین، کردستانی، غلامرضا، کاظمی، حسین. (۱۴۰۴). حسابداری مدیریت در بخش عمومی: وضعیت به‌کارگیری و راهکارهای توسعه. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۴(۵۴)، ۳۴۷-۳۵۹.
- ناصری، احمد، کمالیان، امین‌رضا، فلاطون‌زاده، بهزاد. (۱۳۹۶). ارزیابی نقش دیوان محاسبات در ایفای مسئولیت پاسخگویی عملیاتی دستگاه‌های اجرایی استان سیستان و بلوچستان. *دانش حسابرسی*، ۱۷(۶۶): ۱۸۹-۲۱۶.
- نادری، جواد، علی‌صوفی، هاشم. (۱۴۰۲). موانع پیاده‌سازی بودجه‌ریزی عملیاتی در یک دانشگاه اسلامی: مأموریت‌گرا. *حسابداری، حسابرسی و تأمین مالی در محیط‌های اسلامی*، ۱(۳)، ۹۱-۱۱۷.
- Aggarwal, R., Boyson, N. M. (2016). The performance of female hedge fund

- managers. *Review of Financial Economics*, 29, 23-36. Available at: <https://ssrn.com/abstract=2726584>.
- Antwi, K., Analoui, F., Nana-Agyekum, D. (2008). Public sector reform in sub-Saharan Africa: what can be learnt from the civil service performance improvement programme in Ghana?. *Public Administration and Development*, 28(4), 253-264.
- Bovens, M. (2006). *Analysing and Assessing Public Accountability: A Conceptual Framework*. *European Governance Papers*. Available at: <https://ideas.repec.org/p/erp/eurogo/p0005.html>
- Barton, A. (2007). Accrual Accounting and Budgeting Systems Issues in Australian Governments. *Australian Accounting Review*, 17(41), 38-50.
- DeConinck, J. B. (2010). The effect of organizational justice, perceived organizational support, and perceived supervisor support on marketing employees' level of trust. *Journal of Business Research*, 63(12), 1349–1355.
- Hood, C. (1991). A publicmanagement for all seasons?. *Public Administration*, 69(1), 3-19.
- Ijiri, yuji ,(1983). on the accountability-based conceptual frame- work . *Journal of accounting and public*, 2(2),75-81.
- Mayer, C. (1997). Corporate Governance, competition and performance. *Journal of Law and Society*, 24(1), 152-176.
- Ross, S.A.(1973). Econmic theory ofagency: The principal problem American. *Economic Review*, 63(2),134-39.
- McPhee, I. (2006). *Financial Management in the Public Sector: How Accrual Accounting Enhances Governance and Accountability*. CPA Australia Public Sector Finance and Management Conference. Australia.
- Nuhu Nuraddeen, A., Appuhami, R. (2016). The association between the use of management accounting practices with organizational change and organizational performance. *Advances in Management Accounting*, 26, 67-98. <https://doi.org/10.1108/S1474-787120150000026003>
- Rossi, F.M., Caperchione, E., Cohen, S., Brusca, I. (2019). Financial management and public sector accounting in an age of reforms: developments and changes in public sector financial management. *Public Administration in Europe*, 235-246. http://doi.org/10.1007/978-3-319-92856-2_22
- Sellami, M.Y., Gafsi, Y. (2019). Institutional and economic factors affecting the adoption of international public sector accounting standards, *International Journal of Public Administration*, 42(2), 119-131.
- Strauss, A., Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Sturges, P. (2007). What is this absence called transparency?. *The International Review of Information Ethics*, 7, 221-228.
- Tran, Y. T., Nguyen, N. P., Hoang, T. C. (2021). Effects of leadership and accounting capacity on accountability through the quality of financial reporting by public organisations in Vietnam. *Journal of Asia Business Studies*, 15(3), 484-502. <https://doi.org/10.1108/JABS-02-2020-0077>.
- Wilson, E. R., J. L. Reck., S. C. Kattelus. (2009). *Accounting for Governmental and*

Nonprofit Entities. 15th edition. Chicago: McGrawHill/Irwin.

Wagner, S. A., Vogt, S., Kabst, R. (2016). The future of public participation: Empirical analysis from the viewpoint of policy-makers. *Technological Forecasting & Social Change*, 106, 65-73.
<https://doi.org/10.1016/j.techfore.2016.02.010>.